

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۹ سپتمبر ۲۰۱۷

تمهید جنگ قومی با تسلیح "گلبدین"

این نکته را بار ها نگاشته ام و چه بسا باز هم بار بار بنویسم که وقتی امپریالیزم جنایتگستر امریکا، به اشغال یک سرزمین دست یازد، با تمام قواء و با رفتن تاپای تجزیه و نابودی طرف مقابل از تحقق اهدافش دست بردار نیست. این را هم نوشته ام که امپریالیزم جنایتگستر امریکا زمانی که در تحقق اهداف ستراتیژیکش احساس شکست نماید، همیشه کوشیده است با انتخاب دو خط حرکی جداگانه حد اقل شکستش را به امید کمائی نمودن زمان بیشتر به تعویق بیندازد و آن دو خط حرکی یکی صدور بحران و گسترش میدان جنگ از کشور مورد نظر به کشورهای همجوارش مانند مسأله ویتنام، کامبوج، لاوس و اینک پاکستان است و دیگری کشور مورد نظر را به طرف تجزیه و انشقاق کشانیدن از طریق ایجاد و دامن زده به تضاد های تابع و درجه چندم. نمونه های بزرگش را می توان در اعلام جمهوری فدرال المان، تقسیم کوریا به دو کوریا، تقسیم ویتنام به دو ویتنام، مسأله سودان و ... مشاهده نمود.

تا جایی که تطبیق این خطوط به افغانستان بر می گردد، با آن که به صورت بسیار خزنده و آرام خط حرکی اولی یعنی صدور بحران را در مورد پاکستان و به درجاتی در مورد ایران و تاجیکستان عملی نموده است؛ مگر به ارتباط تطبیق خط حرکی دوم، تا جایی که از سیر حوادث و وقایع بر می آید، امپریالیزم جنایتگستر امریکا در تمام این مدت، کار برای تحقق آن خط حرکی را یاد نبرده و به شدت در راه آن کوشا بوده است. تنها مشکلی که جهت تحقق آن بدان مواجه بوده عدم دسترسی به آن مهره ای که حاضر باشد، چنین ننگی را پذیرا گردیده، حاضر باشد افغانستان را تجزیه نماید. در همین جا بلافاصله باید افزود، طالب با وجود آن که از لحاظ سرشت و خمیرمایه و روابط با امپریالیزم می توانست و می تواند بالقوه جهت انجام چنین مأموریتی انتخاب گردد، مگر تمامیت خواهی طالب، به این نیرو چنین اجازه ای را نداده است که حین سازش با امپریالیزم، به چیزی کمتر از تمام افغانستان راضی گردد، در نتیجه امپریالیزم جنایتگستر امریکا می بایست کس و یا کسان دیگری را پیدا می نمود که از پذیرش چنین داغ ننگی خم به ابرو نیورد، و آن کس فعلاً "گلبدین" و باندش می باشد. دلیل چنین امری گذشته از وابستگی برده وار "گلبدین" به امپریالیزم و ارتجاع منطقه، عشق دیوانه وار وی به کسب قدرت از هر طریق ممکن است، همان عشقی که گاهی او را متحد "تنی" می ساخت و زمانی با "نجیب" و باندش نرد عشق می باخت و وقتی هم با "دوستم"، قاتل خلقهای اقوام مختلف افغانستان "شورا" تشکیل می داد. و اما این که چنین روندی چگونه اجراء خواهد شد، توجه تان را به بقیه نوشته جلب می نمایم:

* - همه به یاد داریم زمانی را که افراد متعلق به "گلبدین" قبل از آمدن خودش به کابل و در آستانه و حین آمدنش به کابل، از پاکستان به افغانستان و محل های سکونت شان می رسیدند، خانواده ها با لاری های جنگله بند و بدون کمترین تلاشی و ملاحظه امنیتی به کابل رسیدند، "غنی" و باندش در وجود "اتمر" و "ستانکزی" که با آمدن "گلبدین" خود را از قید یکه تازی های شورای نظار و جمعیت از یک سو و حزب و حدت و جنبش از سوی دیگر، تا حدی سبکبال احساس می نمودند، آگاهانه فضای امنیتی را چنان سازماندهی نمودند که نیروهای وابسته به "گلبدین" با تمام تجهیزات شان به محل رسیده، اسکان بیابند.

* - در دوام اسکان نیروهای "گلبدین" به مناطق شان مانند، کوهستان، بگرام، قره باغ کوهدامن، تگاب و بخش هائی از رستاق در ولایت تخار، نقاطی از ولایت قندوز به خصوص ولسوالی های امام صاحب و چهاردره و از همه مهمتر ولایت بغلان، خلاف تبلیغاتی که اداره مستعمراتی قبل از آن نشخوار می نمود که گویا با آمدن "گلبدین" صلح و آرامش در آن مناطق تأمین خواهد شد، وضع امنیتی تمام این مناطق بدتر شده متناسب با توانمندی افراد "گلبدین" در مناطق متذکره، عدم امنیت هم با ترور های مخفی، درگیری های علنی و تشبث به جنگهای داخلی زیر نقاب طالب و داعش شدت گرفت.

* - تذکر ساحات و مناطق فوق بدان معنا نیست که تحریکات تخریبی "گلبدین" در همین مناطق محدود مانده جای های دیگری را مورد تهاجم قرار نمی دهد، بلکه متناسب با رشد نفوذ افراد آمده از شمشتوی پاکستان در داخل مناطقی که اسکان یافته اند می توان به جرأت نوشت که می باید منتظر عملیات تخریبی باند "گلبدین" در مناطق دیگری مانند نجرو، غوربند، قسمت هائی از هرات و فاریاب نیز بود. آنچه در بلخ از طریق جنگ "مهمند" و "عطا" آغاز را رقم زد.

* - در چنین فضائی "گلبدین" به نمایندگی از تمام باندش با صراحت اعلام می دارد، که هرگاه دولت، اداره سمت شمال افغانستان را به "گلبدین" بسپارد، ظرف مدت ۶ ماه امنیت مطلق را در آن مناطق تأمین خواهد نمود. وقتی "گلبدین" از تأمین امنیت در شمال یاد می نماید، به یقین منظورش مقابله با طالب نیست زیرا این را همه می دانند که چاقو هیچ گاهی دسته اش را نمی برد، بلکه منظورش آن است که اداره مستعمراتی را از شر شورای نظار، جنبش و جمعیت اسلامی نجات خواهد داد.

* - "غنی" و باندش در شورای امنیت اداره مستعمراتی تصمیم می گیرند، که در کنار و به علاوه نیروهای که در چوکات و زارت داخله از جانب جمعیت، شورای نظار و جنبش، زیر نام پولیس محلی سازماندهی و مسلح شده اند، نیروهای دیگری از طرف وزارت دفاع زیر عنوان کمیته های دفاع خودی سازماندهی و مسلح شوند تا مناطق را بعد از بیرون راندن نیروهای طالب و داعش توسط اردو، به این کمیته های دفاع خودی تسلیم نمایند، که به نمایندگی از وزارت دفاع- بخوانید باند "غنی"- امنیت را در منطقه تأمین نماید.

* - طرف مقابل که در توطئه گری و درک توطئه های حریفان دست کمی از باند "غنی" و "گلبدین" ندارد، شب فردای اعلام دولت در تشکیل کمیته های جدید، گذشته از این که از طریق تربیون های دست داشته شان این عمل دولت را زیر سؤال بردند، حملات شان را بر شخص "گلبدین" شدت و حدت بیشتر بخشیده، از یک جانب "عطا" از وی خواست تا از همان "غار" هائی که آمده است دوباره به همانجا برگردد و از جانب دیگر "سیاف" از موضع رئیس بالفعل و بالقوه نهاد "حراست و ثبات"، تحت عنوان جابه جایی "قاعد" با "مجاهد" به صورت علنی بر مواضع "گلبدین" حمله نموده، تا تکفیر وی پیش رفت، امری که از جانب "گلبدین" نیز بی پاسخ نمانده، ضمن سخنرانی رسماً و علناً آنها را

که یک دزد را مجاهد می نامند، تکفیر نمود. - در این تکفیر متقابل جای خوشبختی این است که یک دیگر شان را به مانند گذشته ها "شعله نی" نگفته اند هرچند ممکن است این جنگ زبانی کار را به آنجا هم بکشاند.

* - تشکیل دو و یا چند نیروی وابسته به اداره مستعمراتی از طریق نهاد های مختلف امنیتی آن اداره، در واقعیت امر پای ماندن جای پای باند های خلق و پرچم است که از سال ۱۳۶۰ به بعد با تشویق، ترغیب و تشدید مناسبات تسلیم طلبانه در روستا ها، از طریق وزارت دفاع، خاد، وزارت داخله و قوای اشغالگر روس، باند های مربوط به خود را پرورش داده، زیر نام تأمین امنیت بر مردم حاکم ساختند. تشکلاتی که بزرگترین نمونه هایش را در وجود جنبش و افراد "جبار قهرمان" تا حال شاهد هستیم

*- این خط حرکتی هرچند ممکن است در کوتاه مدت، امنیت گورستانی از نوع طالب را در برخی از مناطق حاکم سازد، مگر آنچه حتمی است نفس تعقیب چنین خط حرکتی، باعث تخمگذاری برای جنگهای آینده قومی و مذهبی گردیده و این همان چیز است که امپریالیزم جنایتگستر امریکا می خواهد و "گلبدین" را بعد از آنهمه رجز خوانی به همین منظور وارد میدان نموده است. زیرا در مقطع کنونی، در بین قوم پشتون هیچ فردی پیدا نمی شود که به مانند "گلبدین" حاضر به میهنفروشی و تقطیع و تجزیه افغانستان باشد. امری که همین امروز تشت رسوائی یکی از افرادش به نام "ثواب الدین مخکن" در مقر مرکزی اداره مستعمراتی کابل از بام افتاد.

خوانندگان نهایت عزیز!

به هر قوم و مذهبی که تعلق دارید فراموش نکنید که افغان هستید و به سرزمین مادری تان یعنی افغانستان تعلق دارید. این هویت تان فقط تا زمانی می تواند وجود داشته باشد که افغانستان وجود دارد، در نبود افغانستان نه شما نه من و نه هم هیچ کس دیگری از این هویت برخوردار نخواهد بود، پس به خاطر حفظ هویت خودتان در مقابل این توطئه ایستاده شده، بی پروا آن را افشاء کنید و نگذارید که باندهای "غنی" و "اتمر" و "گلبدین" در یک جانب و باند های شورای نظار، جمعیت اسلامی، حزب وحدت و جنبش در سمت دیگر، وطن ما را به سوی نابودی محتوم سوق دهند، فراموش نکنید که سکوت و بی تفاوتی در قبال چنین روندی، به تقویت دشمنان افغانستان ختم شده، لکه ننگ آن، افراد بی تفاوت و ساکت را نیز رها نخواهد کرد.